یادداشت

جنگ‌افروزان در باتلاق

علی شعبانی

آمریکا و اسرائیل در باتلاق آتشی که افروختند، گیر افتاده‌اند. جنگی که بنیان تحلیلی آن دست‌کم بر سه محور غلط استوار شده بود: ۱. نداشتن شناخت و آگاهی لازم از توان نظامی، افکار عمومی و واقعیت اجتماعی جامعه ایران، ۲. غرور و اعتماد کاذب به توانایی نظامی خود و ۳. اتکا بر تحلیل‌های هوش مصنوعی مبتنی بر داده‌های تولیدشده. اکنون با گذشت ۱۸ روز از جنگ، واقعیت‌های پیش‌روی اژدهای جنگ عبارت‌اند از:

- سقوط بازارهای اقتصادی
- افزایش بهای نفت و عدم اطمینان در تأمین آن برای فردا با توجه به سیاست‌های ایران برای حال حاضر و آینده در تنگه هرمز
- آسیب‌های جدی، سنگین، گران و جبران‌ناپذیر در کوتاه‌مدت به تجهیزات و تأسیسات جنگی آنان
- سنگینی کفه جنگ به نفع ایران تا این زمان
- تلاطم روانی و مدیریتی ایجادشده برای آمریکا و اسرائیل از طولانی‌شدن درگیری‌ها
- تضعیف باور دوستان منطقه‌ای آمریکا به توانایی و قدرت آن کشور
- بروز چالش و تنش بین آمریکا و اسرائیل در چرایی شروع جنگ و اینک چگونگی پایان آن. تضعیف موقعیت سیاسی آمریکا در عرصه جهانی و موقعیت سیاسی ترامپ در داخل آمریکا. شهادت کودکان و برخی جنایات جنگی آمریکا، لطمه بزرگی به موقعیت و حیثیت دولت آمریکا وارد کرده است.
- اضطراب و استرس در بین سران و حکومت‌ها نسبت به آسیب‌های ناشی از ادامه جنگ منطقه برای کشورهایشان و... .

بیشترین صدمه و زیان را البته کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دیده‌اند که سرزمین‌شان میدان جنگی واقع شده که جز خرابی و خسران حاصلی برای آنها نداشته و ندارد. پایان جنگ شاهد جدایی دوستان آمریکا به‌ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و اقبال آنان به چین و ایران خواهد بود.

بازتاب خبر تلاش‌های آمریکا از طرق مختلف برای متوقف‌کردن جنگ و بازگشت به میز مذاکره و دیپلماسی و نپذیرفتن ایران، در رسانه‌ها جدا از ایجاد موجی از سردرگمی و اضطراب بین‌المللی، نشانه‌های تنش و فروپاشی اتحاد کاذب تیم سیاسی و امنیتی ترامپ را به نمایش گذاشته است. تیمی که رفتارشان بیشتر مبین توهم و سرگرمی در تصمیمات بوده نه واقعیت‌ها!

با توجه به درخواست آمریکا از روسیه و چین و برخی کشورهای دیگر برای میانجیگری در توقف جنگ و عدول از ادعای واهی تسلیم بدون قید و شرط ایران، اینک برگ برنده و تعیین‌کنندگی شرط توقف و بازگشت به دیپلماسی، دست جمهوری اسلامی ایران است. با تأکید بر گرفتن تضامین لازم و کافی برای عدم حمله مجدد به ایران، لغو تحریم‌های ظالمانه اقتصادی، به رسمیت شناختن حقوق ملت ایران در غنی‌سازی برای مصارف غیرنظامی، غرامت جنگ و خسارات وارده و... ایرانیان استوار و قوی‌تر ایستاده‌اند؛ اما تسریع در توقف درگیری‌ها و بازگشت آرامش به فضای زندگی مردم، می‌تواند دو فرصت مناسب ایجاد کند: ساماندهی داخلی و پویایی دیپلماسی؛ دیپلماسی رسمی برای احیا و تثبیت جایگاه بین‌المللی ایران و دیپلماسی عمومی برای انعکاس و تبیین واقعیت برای افکار عمومی جهان.

در حوزه دیپلماسی رسمی، عقد «قرارداد امنیتی، سیاسی و اجتماعی» با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به‌عنوان راهبردی اساسی در سیاست خارجی برای تأمین منافع متقابل کشورهای ذی‌نفع، همکاری‌های استراتژیک، صلح پایدار منطقه و رفع تهدیدهای مشابه وضعیت فعلی در دستور قرار گیرد. تجارب چند مرحله بحران‌های دامن‌گیر منطقه نشان داد که سیاست خارجی با کلی‌گویی و یادداشت‌های تعارف‌آمیز بدون سازوکارهای الزام‌آور و متضمن اجرای تعهدات و مصوبات راهگشا نبوده و منجر به حل مشکلات نمی‌شود.

خبرخوان

آسیب به ۱۶ مرکز روزانه توان‌بخشی

ایسنا: رئیس سازمان بهزیستی کشور از برنامه‌ریزی برای بازتوانی مراکز آسیب‌دیده در جنگ خبر داد. جواد حسینی با اشاره به آسیب‌دیدن ۱۶ مرکز روزانه توان‌بخشی در شرایط اخیر، از برنامه‌ریزی برای بازتوانی آنها خبر داد و گفت: «در قالب طرح سلام، فعالیت‌های جدیدی به مراکز تزریق می‌کنیم تا با ارتقای کیفیت خدمات، پایداری مالی آنها نیز افزایش یابد». او با تأکید بر مشکلات ناشی از اجاره، بیمه و حقوق کارکنان افزود: «در حال بررسی راهکارهایی برای تعلیق یا تخفیف بدهی‌های بیمه‌ای و هزینه‌های انرژی هستیم تا از این طریق مراکز را در مسیر ادامه فعالیت پایدار یاری دهیم». فاطمه عباسی، معاون توان‌بخشی سازمان بهزیستی هم گفت: «امسال افزایش ۴۰درصدی تعرفه‌ها در نظر گرفته شده و مانند سال گذشته، تصویب و ابلاغ آن در فروردین‌ماه و در سریع‌ترین زمان ممکن انجام خواهد شد. همچنین کالابرگ‌های مقیمان به مراکز شبانه‌روزی تخصیص داده شده است تا از فشار مالی آنها کاسته شود».

گزارش میدانی «شرق» از حملات موشکی به بازار تهران که منجر به تخریب بخشی از یک بنای تاریخی و مغازه‌ها شد

زخم «گلستان» و کسادی بازار

عکس: عباس کوثری/شرق

محمدحسین موسوی: چهار روز مانده به پایان سال، دست‌فروشان مثل هر سال در خیابان ۱۵ خرداد نشسته‌اند، سروصدای بازاری‌ها با صدای جمعیتی که در حال خرید و تماشا هستند، در هم پیچیده؛ آنها بساط‌شان را پهن کرده و همه چیز می‌فروشند؛ از لباس و کفش تا عتیقه‌جات و گردنبندهای بدلی. در میانه مسیر، نزدیک «بازار دلگشا» جمعیت درهم‌تنیده، پا کند می‌کنند، همه سرها به سمت راست چرخیده؛ جایی که موشک‌های جنگ یک ساختمان اداری، یک مسجد، ساختمان قدیمی رادیو و بخشی از کاخ گلستان را تخریب کرده است. ماشین‌های آواربرداری در حال کارند و خاک بلند می‌کنند. تصور اولیه این است که دود خارج‌شده از ساختمان، ناشی از برخورد موشک است. آن سوی خیابان، درست در مقابل همین محوطه، مغازه‌های بسیاری آسیب دیده‌اند، بخشی از جمعیت به آن سمت خیره شده‌اند. ستون‌ها و قاب پنجره‌های طبقات بالایی شعبه بازار بانک تجارت کج شده و در و دیوار و شیشه‌های مغازه‌ها تخریب شده. دو کارگر بالای یکی از مغازه‌ها در حال انداختن آوار به پایین هستند، آن پایین نوارهای زرد و حصارهای فلزی آبی‌رنگ از باقی خیابان جدا شده. بازار تهران در سومین هفته جنگ روز شلوغی را می‌گذراند. بر تن بازار زخم موشک نشسته است.

پیاده‌راه مخروبه‌ها

آب‌نما و حوض پیاده‌راه منتهی به کاخ گلستان، پر است از تکه‌های شیشه و سنگ و آجر. در دو سمت آن ساختمان‌هایی آسیب دیده‌اند؛ ساختمان یک مسجد، ساختمان رادیو، ساختمان دادگاه انقلاب و از همه جدی‌تر ساختمان دوم قوه قضائیه که موشک سه طبقه بالای آن را تخریب و بخش زیادی از نما و طبقات آن را از بین برده است. دو مرد قدم‌زنان به این ساختمان‌های تخریب‌شده می‌نگرند. یکی از آنها سرایدار یکی از پاساژهای بازار است و در شب حمله در بازار بوده است: «اول فکر کردم زلزله آمده، چون تمام کرکره‌ها و شیشه‌ها شروع به لرزیدن کرد و بعد صدای انفجار آمد. از آن شب یکی از گوش‌هایم به‌سختی می‌شنود». با دست به گوش راستش اشاره می‌کند. دور محوطه ورودی کاخ نواری زرد کشیده شده، در ساختمان قوه قضائیه کارگران مشغول کارند و دائما وسایل و ابزارهایی را به داخل می‌برند یا از داخل ساختمان خارج می‌کنند. سقف کاذب «مسجد ارک» که روبه‌روی ساختمان قوه قضائیه بود، فروریخته است. این مسجد که هر ظهر محل نماز کارمندان قوه قضائیه و برخی بازاریان بوده، حالا به طور کامل تخریب شده است.

زخم جنگ بر تن تاریخ

از همان زمان که خبر حمله به بازار به گوش رسید، نگرانی‌های زیادی درباره وضعیت سلامت «کاخ گلستان» ایجاد شد. البته نگرانی بیراه هم نبود. گوشه به گوشه کاخ گلستان پر است از خرده‌شیشه و خرده‌سنگ؛ سندهایی پررنگ از حمله‌ای که بر تن کاخ، زخمی عمیق بر جای گذاشته است. ورودی کاخ و محل تهیه بلیت به طور کامل تخریب شده است، تنها دو صندلی مشکی در زیر سایه‌بان مخروبه آن قرار داده‌اند تا نگهبانان بتوانند جایی برای نشستن داشته باشند. چوب‌های چارچوب پنجره‌های تاریخی کاخ نیز در گوشه حیاط تلنبار شده است و نایلون به جای شیشه‌های رنگین، مسئول جلوگیری از ورود باد و خاک به درون کاخ شده است. مسئول موزه جوانی است که سال‌ها در این کاخ مشغول مرمت بوده و مسافران را راهنمایی کرده است. او پارچه «ایوان مرمر» را کنار می‌زند؛ شیشه‌هایی که عمری به اندازه تاریخ دارند و جنگ‌ها و انقلاب‌ها از سر گذرانده‌اند، خرد شده و بر زمین ریخته است. شیشه‌کاری رنگین طاق پشت تخت مرمرین حالا تکه‌تکه شده و دیواری سیمانی و بی‌رنگ و رو تبدیل به نمای پشت تختی شده است که افراد زیادی بر آن نشسته و نوروز، برای مردم دست تکان داده‌اند. راهنمای جوان می‌گوید: «به‌تازگی تالار آینه و ایوان بالا را مرمت و بازسازی کرده بودیم، ۹۵ درصد کار نیز تمام شده بود که این اتفاق افتاد».

حداقل ۲۰ میلیارد تومان هزینه مرمت است

از پله‌های مرمرین کاخ اصلی بالا می‌رویم، گچ‌کاری‌های راه‌پله آسیب ندیده است. در ایوان کاخ لوسترهای بزرگ شکسته و کف زمین پر از خرده‌شیشه است. شیشه‌های بزرگ و بلند خرد شده و با ریخته‌شدن شیشه‌های سقف، چوب‌های زیرین بنای کاخ مشخص شده است. پسر جوان می‌گوید: «حداقل ۲۰ میلیارد تومان خرج مرمت اینجاست و فکر کنم مدت زیادی نیز بازدید از کاخ ممکن نباشد». او از روز اولی که پس از حمله وارد کاخ شد، می‌گوید: «تمام شیشه‌ها ریخته و پنجره‌ها باز بود. نگران بودم حتی گچ‌کاری‌ها نیز ریخته باشد. بخش ارزشمند کاخ گلستان همین بنای آن است که اگر آسیب ببیند، به‌سختی دوباره می‌توان آن را به شکلی ارزشمند ساخت». او با دست به کاخ کوچک‌تری که در گوشه حیاط که نزدیک‌ترین بخش مجموعه به ساختمان مورد حمله بود، اشاره می‌کند؛ کاخی که موزه مردم‌شناسی مجموعه است: «آن کاخ تازه‌سازتر بود و به‌تازگی نیز تقویت شده بود. اگر کاخ‌های دیگری جای آن بود، به شکل کامل می‌ریخت». چند درخت در محوطه کاخ شکوفه زده‌اند، شکوفه‌های صورتی که حالا در میان گچ، شیشه و چوب‌های فروریخته، تنها نوید بهار در این کاخ تاریخی هستند. در گوشه حیاط دو نگهبان در حال گشت‌زنی هستند، صدای انفجاری شنیده می‌شود، اما دو نگهبان بی‌توجه به این صدا، به گشت‌زنی خود ادامه می‌دهند. یکی از آنها پسر جوانی است که بیسیمی در دست دارد. او می‌گوید: «برو از اینجا، این منطقه امن نیست». در کف آب‌نمای وسط کاخ، بنر بزرگ و آبی‌رنگ «سپر آبی» که قرار است از مکان‌های تاریخی در برابر حملات هوایی محافظت کند، پهن شده است. نگهبان درباره این بنر می‌گوید: «سپر آبی را بعد از شروع جنگ و آسیب‌خوردن کاخ انداختند. هرچند الان که انداخته شده، هم تضمینی نیست که کاخ آسیب نبیند». او با دست به ساختمان‌های اطراف اشاره می‌کند؛ ساختمان‌های دولتی و انتظامی که هر لحظه ممکن است به آنها موشک بخورد و کاخ دوباره با آسیبی جدید مواجه شود. جوان راهنمای موزه با تأسف سری تکان می‌دهد: «اگر یکی از این ساختمان‌ها مورد حمله قرار بگیرد، دیگر چیزی از کاخ گلستان باقی نمی‌ماند».

به باد رفتن فروش شب عید

«یک هفته طول کشید تا بتوانیم مغازه را باز کنیم. من صد میلیون تومان برای خرید کرکره جدید پرداخت کردم. سقف را نیز نه به شکل کامل اما ترمیم کردم. دیوار پشت مغازه هم فروریخته است». او فروشنده ادویه و آجیل است و مغازه‌اش روبه‌روی بلواری قرار دارد که ساختمان دوم قوه قضائیه و کاخ گلستان در آن واقع شده است. به او گفته‌اند هزینه‌هایی را که کرده، جبران می‌کنند، اما امیدی ندارد: «بازار نیز خراب است. فروش ما حتی در سطح ۱۰ روز پیش نیست، چه برسد به اسفند سال گذشته. این مردمی که آمده‌اند بازار نیز برای گشت و گذار آمده‌اند، نه خرید، زیرا بازار را امن‌تر از جاهای دیگر می‌دانند». همکاران او نیز وضع بهتری ندارند. مغازه کناری که آبمیوه و پیراشکی می‌فروخت، آسیب شدیدتری دیده است و نتوانسته مغازه‌اش را باز کند. چند مغازه دیگر نیز چنین وضعیتی دارند. در پاساژ دلگشا جمعیت زیادی در حال رفت‌وآمد هستند، این پاساژ نیز با موج انفجار آسیب‌هایی دیده است، اما نه آن‌قدر که مغازه‌ها تعطیل شوند. وارد یکی از مغازه‌ها می‌شوم، فروشنده پسر جوانی است. او می‌گوید از صبح تا حالا که نزدیک ساعت یک است، تنها یک فروش داشته است: «از شنبه بازار شلوغ‌تر شده اما کسی خریدار نیست. فکر کنم مردم دارند پول‌های‌شان را ذخیره می‌کنند». او و دیگر مغازه‌داران همیشه به فروش شب عید چشم داشتند؛ فروشی که گاهی اندازه سه ماه آنها می‌شد: «این فروش، وضعیت اقتصادی ما را بسیار بد کرده است. همه مغازه‌ها برای خرید اجناس عید چک کشیده‌اند و حالا معلوم نیست چطور قرار است این چک‌ها را پاس کنیم». مغازه دیگری نیز در پاساژ است که کیف و کفش می‌فروشد، دکور این مغازه نوروزی شده است، اما این دکور را پیش از جنگ قرار داده‌اند. صاحب مغازه می‌گوید: «اگر می‌دانستم این اتفاقات می‌افتد، این‌قدر برای این دکور هزینه نمی‌کردم». برای او نیز روزهای اخیر یک شکست بزرگ اقتصادی بوده است: «من سه چک دارم و روی فروش عید حساب کرده بودم اما حالا حتی فکر نکنم حتی بتوانم حتی یکی از چک‌ها را پاس کنم». او درباره دست‌فروشانی که در راسته بازار بساط کرده‌اند، می‌گوید: «تعدادشان بیشتر شده است زیرا فروشندگانی از مناطق دیگر نیز آمده‌اند تا در بازار بساط کنند. حق هم دارند، وقتی بازار این وضعیت را دارد، جاهای دیگر احتمالا اوضاع بدتری داشته باشند». خود دست‌فروشان اما می‌گویند به علت امنیت، بازار را برای فروشندگی انتخاب کرده‌اند. «محمد» که بساط کفش دارد، می‌گوید: «من در خیابان ولی‌عصر بساط می‌کردم؛ چند روز است که به بازار آمده‌ام چون در ولی‌عصر همیشه صدای انفجار می‌آمد و پر بود از پلیس. اگر شرایط عادی بود، امکان نداشت از آنجا نقل مکان کنم». او می‌گوید برای دست‌فروشان تغییر مکان کار راحتی نیست، زیرا هم دوستان و مشتریان خود را از دست می‌دهند، هم در مناطق دیگر دست‌فروشان قدیمی‌تری هستند که به‌سختی اجازه حضور افراد دیگری در محیط کسبشان را می‌دهند: «فکر نمی‌کردم بتوانم در بازار بساط کنم، ولی وقتی آمدم دیدم به خاطر شرایط جنگ دیگر آن قدیمی‌ها از بساط‌کردن افراد جدید جلوگیری نمی‌کنند. هرچند هر روز دعواهایی نیز داریم». کمی جلوتر، نزدیک به سبزه‌میدان، شلوغی کمتر می‌شود. آنجا همیشه مکان فروشندگان دلار بوده، اما حالا به علت شرایط موجود تبدیل به یک بازارچه کوچک پر از دست‌فروش شده است. زنی در گوشه سبزه‌میدان، چسبیده به یک ستون، بساط لباس دارد، او می‌گوید آنها نیز فروش ندارند: «مغازه‌دارها فکر می‌کنند ما باعث شده‌ایم آنها مشتری نداشته باشند، درحالی‌که خود ما نیز فروش خاصی نداریم». در همین حین چند زن و مرد در حال گشتن در بین لباس‌هایی هستند که او می‌فروشد: «مردم می‌آیند، می‌بینند اما نمی‌خرند. این بازار شب عید ماست».

اطلاعیه سرقت
خودروسواری سمند سورن EF7
به رنگ سفید مدل ۱۴۰۴ به شماره شاسی
NAACF1C1FSFL65417 شماره موتور
147H0914936 شماره پلاک ایران ۳۸ _ ۸۸۶ ص ۳۲
در مورخ ۲۴ اسفند ۱۴۰۴ به سرقت رفته خواهشمند است در صورت اطلاع با شماره ذیل تماس حاصل فرمایید
۰۹۱۲۷۹۱۷۱۷۳

کارت خودروپژو ۲۰۶ هاچ بک مدل ۱۳۸۵
رنگ نقره آبی به شماره پلاک ایران ۶۸_۵۸۴ق۸۵
به شماره شاسی ۱۰۸۳۵۶۵۷ و شماره
موتور ۱۳۰۸۵۰۰۰۶۵۵ به نام فاطمه حاجی ابراهیم
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فلاورجان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۰۷۰۱۴۰۶۸ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فلاورجان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای حسین عبداللهی فرزند محمدرضا بشماره شناسنامه ۱۲ صادره از آباده در ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۷۸.۴۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۴۱۱ اصلی واقع در شرودان بخش ۹ حوزه ثبت فلاورجان خریداری از مالک رسمی حسین قاسمی فرزند اکبر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
شناسه ۲۱۴۳۴۱۹
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۲۶
علی داسار - قائم مقام رئیس واحد ثبتی

ارتباط با روزنامه شرق
T.ME/ALOSHARGH
WWW.SHARGHDAILY.IR

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان الشتر
سری (۵۶۳) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی شهرستان الشتر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .
تاریخ انتشار نوبت اول : (۱۴۰۴/۱۲/۱۱) نوبت دوم: (۱۴۰۴/۱۲/۲۶)
۱ - تقاضای «علی حجت یوسفوند»فرزند «محمد» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۸۹۸,۱۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۶۷» فرعی از «۱۸۹/۳۸» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «صید علی حاتمی»
۲- تقاضای «علی حجت یوسفوند» فرزند «محمد» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۸۷۵,۴۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۴۹» فرعی از «۱۳۶/۲» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مصطفی اسدالهی»
۳- تقاضای «علی حجت یوسفوند» فرزند «محمد» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۶۲۰۷,۹۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۷۰» فرعی از «۱۸۹/۳۸» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه « صید علی حاتمی»
۴ - تقاضای «وحید سمینی» فرزند «علی احمد» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۹۲۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۰۱» فرعی از «۲۲۸» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ابراهیم مومنی هابیل»
۵ - تقاضای «وحید سمینی» فرزند «علی احمد» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۷۱,۱۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۰۰» فرعی از «۲۲۸» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ابراهیم مومنی هابیل»
۶- تقاضای «سمیرا حاجی پور» فرزند «یوسف» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۶۹۶۸,۴۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۸۲» فرعی از «۳۲/۱» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سمیرا حاجی پور»
۷ - تقاضای «سمیرا حاجی پور» فرزند «یوسف» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۸۳۴۲,۲۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۸۳» فرعی از «۳۲/۱» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سمیرا حاجی پور»
۸ - تقاضای «یاسر حیدریان» فرزند «میرزا علی» نسبت به «ششدانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۱۸۹,۰۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۸۱» فرعی از «۱۹۴» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «تیمور صالحی»
۹ - تقاضای «فاطمه دلارام» فرزند «محمد» نسبت به «ششدانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۷۱۱,۸۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۲» فرعی از «۵۳/۴۲» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «کلبعلی»
۱۰- تقاضای «یداله و نصرت اله نوروزیان» فرزند «علی اله» نسبت به «ششدانگ مشاع از یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۸۷۵۰,۷۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۱» فرعی از «۱۵۰» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی اله نوروزیان علم»
حیدر امرائی - رییس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان الشتر
شناسه ۲۱۴۰۵۸۱

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت دارش در حال تصفیه (با مسئولیت محدود)
به شماره ثبت ۷۵۸۱۷ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۱۲۰۷۰۰۰ (نوبت دوم)
در اجرای ماده ۲۱۵ اصلاحیه قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت دارش در حال تصفیه (با مسئولیت محدود)که آگهی انحلال آن در صفحه ۲۵ روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۳۴۴۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۲ درج گردیده است دعوت به عمل می‌آید تا ظرف مدت حداکثر یکسال از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبته ادعای خود به مدیر تصفیه خانم فاطمه ابراهیمی به شماره همراه ۰۹۳۰۲۱۲۰۲۲۱ مستقر در آدرس تهران، خیابان خرمشهر، خیابان عربعلی، کوچه یکم، پلاک ۱۸ ، واحد ۶ ، کدپستی ۱۵۳۳۸۹۷۱۱۸ مراجعه نمایند. بدیهی است شرکت و مدیر تصفیه در مورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهند داشت.
فاطمه ابراهیمی - مدیر تصفیه شرکت دارش (با مسئولیت محدود) در حال تصفیه

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت صنعتگاه ابردقت
در حال تصفیه (با مسئولیت محدود)
به شماره ثبت ۴۹۳۷۱۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۹۳۳۵۶۸
در اجرای ماده ۲۱۵ قانون تجارت، از کلیه بستانکاران شرکت صنعتگاه ابردقت در حال تصفیه (با مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۴۹۳۷۱۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۹۳۳۵۶۸ که آگهی انحلال آن در صفحه ۷۷ روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۳۵۳۲ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۷ آمده است دعوت به عمل می آید تا ظرف حداکثر یک سال از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبته ادعای خود به مدیر تصفیه آقای علی زیوری فرد به شماره همراه ۰۹۱۲۴۴۸۱۶۷۵ مستقر در آدرس : تهران خیابان آذربایجان، حد فاصل خیابان اسکندری و مترو نواب پلاک ۵۴۶ واحد ۱۲ کد پستی ۱۳۱۹۶۵۳۱۸۴ مراجعه نمایند. بدیهی است شرکت و مدیر تصفیه در مورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهد داشت.
مدیر تصفیه شرکت صنعتگاه ابردقت (با مسئولیت محدود) در حال تصفیه